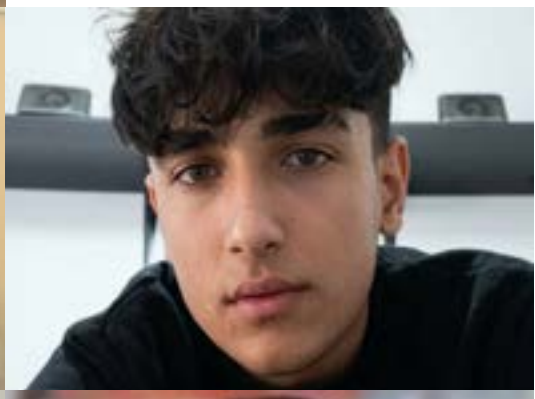
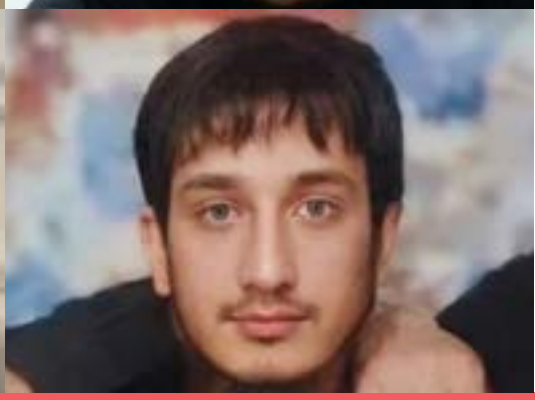


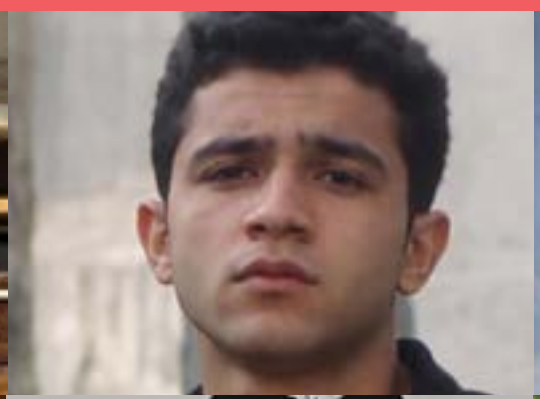
IRAN
HUMAN
RIGHTS

بحران حق حیات کودکان در ایران

گزارش ویژه سازمان حقوق بشر ایران | روز جهانی کودک ۱۴۰۵







© Iran Human Rights (IHRNGO) 2026

www.iranhr.net

 : @IHRights |  : @iranhumanrights |  : @humanrightsiran

فهرست مطالب

مقدمه..... ۴

مجازات اعدام ۶
چهارچوب حقوقی..... ۷
کودکانی که به اعدام محکوم شدند..... ۸
اعدام‌شدگان سال ۲۰۲۶ که زمان وقوع جرم ادعایی کمتر از ۱۸ سال داشتند..... ۱۲

کشته‌شدگان اعتراضات..... ۱۴
ماهیت خشونت علیه کودکان..... ۱۵
کودکان کشته‌شده در اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴..... ۱۷
جدول اسامی ۲۸۱ کودک کشته‌شده در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴..... ۱۹

مقدمه

سازمان حقوق بشر ایران به‌مناسبت روز جهانی کودک، ۲۰ نوامبر، گزارش ویژه‌ای منتشر می‌کند که به بررسی بحران شدید و فزاینده نقض حق حیات کودکان در ایران می‌پردازد. این گزارش دو جنبه از این بحران را مستند می‌کند: نخست، کشته‌شدن صدها کودک در جریان سرکوب اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ و دیگر، ادامه صدور و اجرای احکام اعدام برای افرادی که هنگام ارتکاب جرائم انتسابی کمتر از ۱۸ سال داشتند.

این گزارش در شرایطی منتشر می‌شود که خطر اعدام همچنان شماری از جوانان محکوم به اعدام را به‌دلیل جرائم انتسابی در دوران زیر ۱۸ سالگی تهدید می‌کند. در میان آنان معترضانی نیز قرار دارند که پرونده‌هایشان با اعترافات اجباری اخذشده زیر شکنجه، محرومیت از دسترسی به وکیل مستقل و محاکمه‌های به‌شدت ناعادلانه همراه بوده است. دیوان عالی کشور نیز احکام اعدام برخی از این افراد را تأیید کرده است.

محمود امیری‌مقدم، مدیر سازمان حقوق بشر ایران، گفت: «در ایران، کودکان هم در خیابان کشته می‌شوند و هم در دادگاه به مرگ محکوم می‌شوند. در دی‌ماه ۱۴۰۴ صدها کودک در سرکوب اعتراضات کشته شدند و امروز هم شماری از افرادی که هنگام وقوع اتهام انتسابی کمتر از ۱۸ سال سن داشتند، در صف اعدام‌اند. هنوز می‌توان جانشان را نجات داد؛ اما فشار بین‌المللی باید پیش از آن‌که دیر شود وارد عمل شود».

کودکان کشته‌شده در جریان سرکوب اعتراضات دی‌ماه

سازمان حقوق بشر ایران کشته‌شدن دست‌کم ۲۸۱ کودک زیر ۱۸ سال را در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ مستند کرده است. از این تعداد، ۲۵ تن زیر ۱۴ سال و چهار کودک کمتر از پنج سال سن داشتند. کم‌سن‌ترین قربانی شناسایی‌شده نوزادی بود که فقط چهارماه‌ونیم از سنش می‌گذشت.

کودکان در دست‌کم ۲۷ استان از ۳۱ استان ایران کشته شدند و نزدیک به ۹۰ درصد از کودکانی که تاریخ دقیق کشته شدنشان مشخص است، در جریان سرکوب گسترده ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه جان باخته‌اند. از آن‌جا که سن ۸۴۳ نفر از قربانیان مستندشده هنوز مشخص نیست، شمار واقعی کودکانی که در جریان اعتراضات کشته شده‌اند، ممکن است به‌مراتب بیشتر باشد.

این آمار همچنین ابعاد و ماهیت خشونت اعمال‌شده را آشکار می‌کند. درمیان کودکان کشته‌شده، هم معترضان حضور داشتند، هم رهگذران و هم کودکان خردسالی که هیچ مشارکتی در اعتراضات نداشتند. ملینا اسدی، کودک سه‌ساله، هنگامی هدف گلوله قرار گرفت که همراه پدرش برای خرید شیرخشک از خانه خارج شده بود. از دیگر موارد مستندشده می‌توان به کودکانی اشاره کرد که هنگام خرید هدف گلوله قرار گرفتند و نیز دانش‌آموز دختر ۱۷ ساله‌ای که با شلیک تک‌تیرانداز کشته شد.

گستردگی جغرافیایی و شمار بالای کودکان کشته‌شده، در کنار شواهد مربوط به شلیک گلوله جنگی به‌سوی جمعیت، تیراندازی به افراد در حال فرار، به‌کارگیری تک‌تیراندازان و هدف قراردادن مکرر اندام‌های حیاتی، نشان‌دهنده شدت مرگبار خشونت، خودسرانگی و فقدان خویشتن‌داری در سرکوب اعتراضات دی‌ماه است.

کودکان همچنان در معرض خطر اعدام

تهدید حق حیات کودکان در ایران به خشونت مرگبار در خیابان‌ها محدود نمی‌شود. ایران همچنان یکی از معدود کشورهایی است که برای جرائم ارتکابی افراد زیر ۱۸ سال حکم اعدام صادر و اجرا می‌کند. سازمان حقوق بشر ایران از سال ۲۰۰۸ میلادی تاکنون، اعدام دست‌کم ۸۹ نفر را که هنگام ارتکاب جرائم انتسابی کمتر از ۱۸ سال داشتند، مستند کرده است. موارد دیگری نیز وجود داشته که به‌دلیل نبود مدارک و مستندات کافی، در این آمار گنجانده نشده‌اند.

تنها در سال ۲۰۲۶، دست‌کم چهار نفر به اتهام قتل عمد در زمانی که کمتر از ۱۸ سال داشتند، اعدام شدند. از جمله این افراد می‌توان به امید مرادی اشاره کرد که در دوران نوجوانی با فریب وادار به پذیرش مسئولیت یک قتل شد و پس از آن بیش از دو دهه را در زندان گذراند؛ میثم ایرندگانی، کودک کار بلوچ که هنگام ارتکاب جرم انتسابی ۱۴ سال داشت؛ ماهان وفادار که هنگام وقوع جرم انتسابی ۱۷

ساله بود و مخفیانه و بدون آخرین ملاقات با خانواده‌اش اعدام شد؛ و نوید محمدپور که هنگام ارتکاب جرم انتسابی تنها ۱۵ سال داشت. این گزارش همچنین وضعیت شماری از کودکان و جوانانی را مستند می‌کند که در حال حاضر در معرض خطر اعدام قرار دارند. پرونده‌های آنان برخی از جدی‌ترین کاستی‌های دستگاه قضایی ایران را آشکار می‌کند.

شروین باقریان جبلی هنگام بازداشت در ارتباط با اعتراضات دی‌ماه در اصفهان، دانش‌آموزی ۱۷ ساله بود. حکم اعدام او به تأیید دیوان عالی کشور رسیده و درخواست اعاده دادرسی‌اش نیز رد شده است. بنابه اطلاع سازمان حقوق بشر ایران، او در دوران بازجویی تحت فشار شدید روانی قرار گرفته، با تهدید به خشونت جنسی روبه‌رو شده و اعدام نمایشی را تجربه کرده است. بنابر اطلاعات دریافتی، هنگامی که شروین همچنان از اعتراف خودداری می‌کرد، بازجویان مادرش را با چشمان بسته به اتاق بازجویی آوردند، مقابل چشمان او شکنجه‌اش کردند و تهدید کردند که مادرش را اعدام خواهند کرد. شروین سرانجام اعترافاتی را که بازجوها به او دیکته کرده بودند، امضا کرد. هیچ سلاحی از او کشف نشد و یکی از متهمان هم‌پرونده‌ای او نیز بعدها اظهاراتی را که علیه او مطرح کرده بود، پس گرفت و اعلام کرد که این اظهارات زیر شکنجه از او گرفته شده است.

محسن اسلام‌خواه هنگام اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱، تنها ۱۷ سال داشت. براساس اطلاعاتی که سازمان حقوق بشر ایران به‌دست آورده است، او به‌مدت ۴۰ روز تحت شکنجه شدید قرار گرفت تا علیه خود اعتراف کند. او پس از این دوره شکنجه، در دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد. دادگاه در حکم صادرشده هیچ اشاره‌ای به سن او هنگام ارتکاب جرائم انتسابی نکرد.

متین محمدی و عرفان امیری نیز هنگام بازداشت در جریان اعتراضات دی‌ماه، هر دو ۱۷ سال داشتند. جلسه محاکمه آنان از تلویزیون حکومتی پخش شد، بی‌آن‌که هیچ‌یک از این دو فرصت دفاع از خود را در جایگاه متهم پیدا کنند یا وکیل تسخیری‌شان دفاعی ارائه کند. همچنین از پذیرش وکلای مستقل برای دفاع از آنان جلوگیری شد. حکم اعدام متین محمدی همچنان به قوت خود باقی است. در مورد عرفان امیری نیز گزارشی تأییدنشده از احتمال تبرئه او منتشر شده است.

از دیگر پرونده‌ها می‌توان به نیما عربان اشاره کرد که به‌دلیل اقدامات انتسابی در جریان اعتراضات دی‌ماه، در ۱۷ سالگی به اعدام محکوم شد؛ سپهر هونجانی که هنگام بازداشت در پرونده میدان علیخانی اصفهان ۱۷ سال داشت؛ و سلیمان شه‌بخش، از اقلیت اتنیکی بلوچ، که بنابر گزارش‌ها هنگام بازداشت تنها ۱۲ ساله بود و حکم اعدامش به تأیید دیوان عالی کشور رسیده است.

محمود امیری‌مقدم گفت: «اعدام برای جرمی که پیش از ۱۸ سالگی انجام شده، مطلقاً ممنوع است. وقتی حکم مرگ بر پایه شکنجه، اعتراف اجباری و محاکمه ناعادلانه صادر می‌شود، فوریت اقدام دوچندان می‌شود. دولت‌هایی که با جمهوری اسلامی روابط دیپلماتیک دارند و همچنین سازوکارهای سازمان ملل متحد، باید فوراً برای نجات جان تمامی افرادی اقدام کنند که هنگام ارتکاب جرائم انتسابی زیر ۱۸ سال داشتند و اکنون در معرض خطر اعدام قرار دارند.»

بنابر اعلام جمهوری اسلامی، در جریان جنگ ۴۰روزه نیز ۳۸۳ کودک کشته شدند که ۱۲۰ نفر از آنان در مدرسه میناب کشته شدند و بیشترشان به جامعه بلوچ تعلق داشتند. آمار کشته‌شدگان این جنگ در گزارش حاضر لحاظ نشده است.[۱]

ایران به‌موجب کنوانسیون حقوق کودک و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی متعهد است که مجازات اعدام را برای جرائم ارتکابی افراد زیر ۱۸ سال اعمال نکند. با این‌حال، قوانین ایران همچنان صدور چنین احکامی را مجاز می‌دانند و پرونده‌های مستندشده در این گزارش نشان می‌دهند که این ممنوعیت در عمل بارها نقض شده است.

این گزارش با مستندسازی کودکان کشته‌شده در جریان سرکوب اعتراضات دی‌ماه، در کنار پرونده کسانی که به‌دلیل جرائم ارتکابی پیش از ۱۸ سالگی اعدام شده‌اند یا اکنون در معرض خطر اعدام قرار دارند، می‌کوشد توجه جامعه جهانی را به ابعاد گسترده‌تر بحران حق حیات کودکان در ایران جلب کند. شرایط این پرونده‌ها با یکدیگر متفاوت است، اما همگی در یک واقعیت اساسی مشترک‌اند: حکومت حمایت ویژه‌ای را که حق کودکان است، و حق مطلق آنان بر محکوم‌نشدن به اعدام برای اعمال ارتکابی در زیر ۱۸ سالگی، را نادیده گرفته است. سازمان حقوق بشر ایران خواستار توقف فوری تمامی اعدام‌های مرتبط با جرائم ارتکابی کودکان زیر ۱۸ سال، تبدیل تمامی احکام اعدام برای این جرائم به مجازات‌های دیگر و اصلاح قوانین برای لغو بی‌قیدوشرط این رویه است.

با توجه به خطر اعدام قریب‌الوقوع برخی از افرادی که پرونده‌هایشان در این گزارش مستند شده است، سازمان حقوق بشر ایران همچنین از سازوکارهای حقوق‌بشری سازمان ملل متحد، دولت‌های اروپایی و تمامی کشورهایی که با جمهوری اسلامی روابط دیپلماتیک دارند،

---

۱ ایرنا، ۷ اردیبهشت ۱۴۰۵، بیش از ۲ هزار کودک در جنگ تحمیلی سوم مجروح شدند: https://www.irna.ir/news/۸۶۱۳۸۷۶۶/بیش-از-۲-هزار-کودک-در-جنگ-تحمیلی-سوم-مجروح-شدند

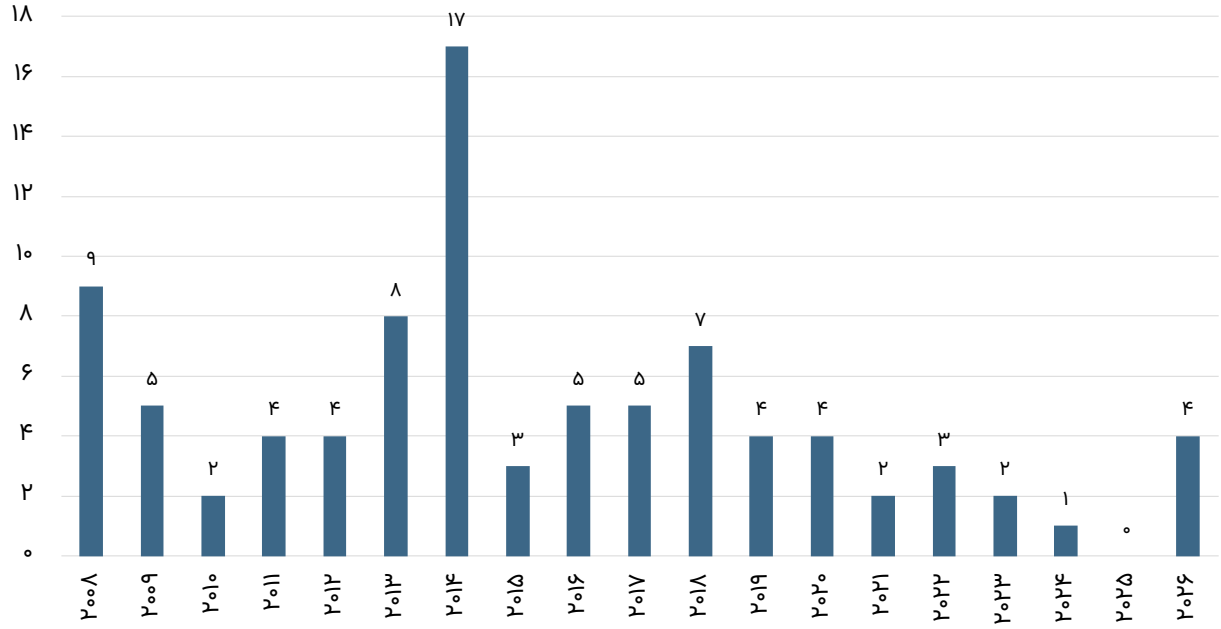
می‌خواهد تا ضمن مداخله فوری، به‌صراحت اعلام کنند اعدام هر فردی که به‌دلیل جرائم ارتکابی در کودکی به اعدام محکوم شده است، پیامدهای جدی سیاسی و دیپلماتیک درپی خواهد داشت.

مجازات اعدام

ایران یکی از معدود کشورهای باقی‌مانده در جهان است که همچنان برای جرائم ارتکابی افراد زیر ۱۸ سال حکم اعدام صادر می‌کند و بیش از هر کشور دیگری چنین احکامی را به اجرا می‌گذارد. جمهوری اسلامی از سال ۲۰۰۸ تاکنون، برخلاف قوانین داخلی و تعهدات بین‌المللی خود، دست‌کم ۸۹ نفر را که هنگام ارتکاب جرائم انتسابی کمتر از ۱۸ سال داشتند، اعدام کرده است. برخی از این افراد حتی هنگام اجرای حکم اعدام نیز هنوز به ۱۸ سالگی نرسیده بودند و کودک محسوب می‌شدند.

باید تأکید کرد این آمار تنها شامل مواردی است که سازمان حقوق بشر ایران با دسترسی به مدارک و مستندات کافی توانسته آن‌ها را تأیید کند. این سازمان گزارش‌های دیگری نیز درباره اعدام افراد به‌دلیل جرائم ارتکابی پیش از ۱۸ سالگی دریافت کرده است که به‌دلیل نبود شواهد قابل‌راستی‌آزمایی در آمار گنجانده نشده‌اند. بنابراین، شمار واقعی این اعدام‌ها بی‌تردید بسیار بیشتر از آمار ثبت‌شده است.

اعدام به‌دلیل جرائم ارتکابی زیر ۱۸ سال در ایران



از سال ۲۰۰۸، که سازمان حقوق بشر ایران ثبت و مستندسازی سیستماتیک اعدام‌ها در ایران را آغاز کرد، جمهوری اسلامی دست‌کم ۸۹ نفر، از جمله چهار زن، را به اتهام جرائمی که پیش‌از ۱۸سالگی مرتکب شده بودند، اعدام کرده است.

چهارچوب حقوقی

کشتن کودکان و اجرای احکام اعدام برای جرائم ارتکابی پیش از ۱۸ سالگی در ایران، نقض آشکار تعهدات الزام‌آور این کشور براساس حقوق بین‌الملل بشر است. ایران در تیرماه ۱۳۵۴، بدون هیچ قید و شرطی، به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) پیوست و براساس بند یک ماده ۶ این میثاق، از نظر حقوقی موظف به رعایت حق ذاتی حیات است. بند پنج ماده ۶ نیز به‌صراحت مقرر می‌کند که «حکم اعدام نباید برای جرائمی صادر شود که اشخاص زیر هجده سال مرتکب شده‌اند.»

در بند «الف» ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (CRC)، که ایران در تیرماه ۱۳۷۳ به آن پیوسته است، نیز این ممنوعیت مطلق مورد تأکید قرار گرفته است. براساس این بند، شکنجه، مجازات اعدام و حبس ابد بدون امکان آزادی نباید برای جرائم ارتکابی افراد زیر ۱۸ سال اعمال شود.

ایران هنگام پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک، با اعلام یک حق شرط کلی، تأکید کرد به مفادی که با قوانین داخلی و موازین اسلامی در تعارض تشخیص داده شود، پایبند نخواهد بود. اما چنین شرطی با اهداف و اصول کنوانسیون در تضاد است و نمی‌تواند جمهوری اسلامی را از اجرای تعهدات خود براساس ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که حتی در شرایط اضطراری نیز باید رعایت شوند، معاف کند.

همچنین، رویه‌های قضایی ایران به‌طور مکرر بند دو ماده ۶ این میثاق را نقض می‌کنند؛ بندی که اعمال مجازات اعدام را در کشورهایی که هنوز این مجازات را لغو نکرده‌اند، صرفاً به «شدیدترین جرائم» که متضمن قتل عمد باشد، محدود می‌کند. مواد ۷ و ۱۴ میثاق نیز شکنجه را ممنوع و حق برخورداری از دادرسی عادلانه، دسترسی به وکیل مستقل و مصونیت در برابر اجبار به اعتراف علیه خود را تضمین می‌کنند، حقوقی که در روند رسیدگی به بسیاری از پرونده‌های منتهی به صدور حکم اعدام نقض می‌شوند.

علاوه‌بر این، مقام‌های جمهوری اسلامی همچنان اعدام در ملأعام را در حضور تماشاگرانی که گاه کودکان نیز در میان آنان حضور دارند، اجرا می‌کنند و به این ترتیب آسیب‌های روانی شدیدی به آنان وارد می‌شود. جمهوری اسلامی همچنین به‌طور مداوم به قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره توقف جهانی اجرای مجازات اعدام رأی منفی داده و در چهارمین دوره بررسی ادواری جهانی وضعیت حقوق بشر ایران (UPR) در سال ۲۰۲۵، هر ۵۰ توصیه مربوط به مجازات اعدام را رد کرده است.[۲]

در سطح داخلی نیز چارچوب حقوقی ایران نتوانسته است حمایت لازم از کودکان را تضمین کند و با تناقض‌های ساختاری عمیقی روبه‌رو است. اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی، تعرض به حیثیت و جان اشخاص را جز در مواردی که قانون تجویز کرده باشد، ممنوع می‌داند. اصل ۳۵ حق برخورداری از وکیل را تضمین می‌کند و اصل ۳۸ نیز هرگونه شکنجه و اعتراف اجباری را ممنوع کرده است. با این‌حال، این حمایت‌های قانونی به‌طور سیستماتیک هم در دادگاه‌های انقلاب و هم در دادگاه‌های کیفری نقض می‌شوند.

مهم‌تر از آن، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، امکان اعدام افراد زیر ۱۸ سال را به‌صراحت در ساختار حقوقی کشور نهادینه کرده است. اگرچه ماده ۱۴۶ این قانون افراد نابالغ را فاقد مسئولیت کیفری می‌داند، ماده ۱۴۷ سن بلوغ شرعی و مسئولیت کیفری را برای دختران ۹ سال قمری (حدود ۸ سال و ۹ ماه شمسی) و برای پسران ۱۵ سال قمری (حدود ۱۴ سال و ۷ ماه شمسی) تعیین کرده است. این مقررات با بخش‌های دیگری از قوانین داخلی ایران که ۱۸ سالگی را سن قانونی بزرگسالی می‌شناسند، در تضاد است؛ ازجمله با مقررات مربوط به دریافت مستقل گذرنامه.

مواد ۸۹ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اقدام‌های اصلاحی و مجازات‌های جایگزین را برای افرادی پیش‌بینی کرده‌اند که هنگام ارتکاب جرم کودک بوده‌اند، یعنی کمتر از ۱۸ سال داشته‌اند. با این‌حال، ماده ۹۱ جرائم مستوجب حد و قصاص را از شمول این مقررات مستثنا می‌کند؛ همان اتهاماتی که بیشتر اعدام‌های مرتبط با جرائم ارتکابی پیش از ۱۸ سالگی در ایران بر اساس آن‌ها اجرا می‌شوند.

بر اساس ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، قضات تنها در صورتی می‌توانند برای افراد بالغ زیر ۱۸ سال که مرتکب جرائم مستوجب حد یا قصاص شده‌اند، مجازات جایگزین تعیین کنند که آنان «ماهیت جرم انجام‌شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل

---

۲ سازمان حقوق بشر ایران و سازمان «با هم علیه مجازات اعدام» (ECPM)، گزارش سالانه مجازات اعدام در ایران در سال ۲۰۲۵، https://iranhr.net/en/reports/٤٤/

آنان شبهه وجود داشته باشد». با این‌حال، تبصره ماده ۹۱ دادگاه را ملزم به استعلام نظر کارشناسی سازمان پزشکی قانونی نمی‌کند و صرفاً چنین اختیاری را به قاضی می‌دهد. در نتیجه، تصمیم‌هایی که به‌طور مستقیم با مرگ و زندگی افراد ارتباط دارند، به تشخیص سلیقه‌ای قضات واگذار می‌شوند.

جمهوری اسلامی در پاسخ رسمی خود در جریان بررسی ادواری جهانی سال ۲۰۲۵ ادعا کرد که اصلاحات قانونی، حداکثر مجازات کودکان را به پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محدود و صدور حکم اعدام را، مگر در صورت تأیید رشد کامل عقلی فرد بر اساس ارزیابی کارشناسی، ممنوع کرده است. با این‌حال، ماده ۹۱ در عمل نتوانسته است مانع اجرای احکام اعدام برای جرائم ارتکابی افراد زیر ۱۸ سال شود.

کودکانی که به اعدام محکوم شدند

سلیمان شه‌بخش؛ بازداشت در ۱۲ سالگی و محکومیت به اعدام بر اساس اعترافات اخذشده زیر شکنجه



سلیمان شه‌بخش، زندانی سیاسی بلوچ، بنابر گزارش‌ها هنگام بازداشت تنها ۱۲ سال داشت. او یکی از چهار متهم پرونده‌ای است که همگی تحت شکنجه شدید قرار گرفتند تا علیه خود به دروغ اعتراف کنند. شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران در ۱۵ بهمن ۱۴۰۱، سلیمان را به اتهام بغی از طریق عضویت در یک گروه مخالف ممنوع‌شده به اعدام محکوم کرد.[۳] دیوان عالی کشور در اوایل آبان ۱۴۰۳ حکم اعدام او را تأیید کرد. او در زندان قزلحصار نگهداری می‌شود.

محسن اسلام‌خواه؛ محکومیت به اعدام پس از ۴۰ روز شکنجه، برای مشارکت در اعتراضات در ۱۷ سالگی



محسن اسلام‌خواه، معترض کرد اهل بوکان در استان آذربایجان غربی، در ارتباط با اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱ به اعدام محکوم شده و در زندان بوکان به سر می‌برد. او هنگام اعتراضات روزهای ۲۴ و ۲۶ آبان ۱۴۰۱ در بوکان، ۱۷ سال داشت. گفته می‌شود در جریان این اعتراضات، دو تن از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشته شدند. بنابه اطلاع منابع مطلع، محسن پس از شناسایی از طریق دوربین‌های مداربسته و سه بار یورش نیروهای امنیتی به محل سکونت او و خانواده‌اش، ناچار شد به اقلیم کردستان عراق پناه ببرد. او در مرداد ۱۴۰۴، پس از دریافت تضمین‌هایی از میانجی‌ها، به ایران بازگشت، اما بلافاصله بازداشت شد.[۴]

۳ سازمان حقوق بشر ایران و سازمان «با هم علیه مجازات اعدام» (ECPM)، گزارش سالانه مجازات اعدام در ایران در سال ۲۰۲۵، https://iranhr.net/en/reports/٤٤/

۴ سازمان حقوق بشر ایران و سازمان «با هم علیه مجازات اعدام» (ECPM)، گزارش سالانه مجازات اعدام در ایران در سال ۲۰۲۵، https://iranhr.net/en/reports/٤٤/

پس از بازداشت، محسن را به ارومیه منتقل کردند. بنابه اطلاع منابع آگاه، او در طول ۴۰ روز بازداشت در بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه، برای گرفتن اعتراف اجباری به قتل یکی از اعضای بسیج، تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفت. این منابع همچنین تأکید کرده‌اند که اتهامات مطرح‌شده علیه او کاملاً ساختگی است. پس از پایان بازجویی‌ها، محسن به بوکان بازگردانده شد و حدود ۱۰ روز بعد به دادگاه انتقال یافت و با قرار وثیقه پنج میلیارد تومانی آزاد شد.

حدود شش ماه بعد، پرونده محسن به شعبه اول دادگاه انقلاب مهاباد ارجاع شد. بر اساس اسناد قضایی مورخ ۲۶ بهمن ۱۴۰۴، دادگاه محسن را که به‌عنوان متهم ردیف اول در کنار دیگر متهمان پرونده محاکمه شده بود، به اتهام محاربه از طریق کشیدن سلاح سرد، افساد فی‌الارض و اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی مجرم شناخت. شعبه اول دادگاه انقلاب مهاباد برای اتهامات محاربه و افساد فی‌الارض حکم اعدام و برای اتهام اجتماع و تبانی حکم حبس صادر کرد، بی‌آن‌که به سن محسن هنگام ارتکاب جرائم انتسابی اشاره‌ای کند. محسن در ۳ اسفند ۱۴۰۴ به دادگاه مهاباد احضار شد و پس از بازداشت، به زندان بوکان انتقال یافت.

علاوه بر حکم اعدام صادرشده در دادگاه انقلاب، پرونده جداگانه‌ای نیز علیه محسن اسلام‌خواه در شعبه اول دادگاه کیفری یک استان آذربایجان غربی، مستقر در میاندوآب، تشکیل شده است. بر اساس ابلاغیه‌های قضایی صادرشده در ۲۶ تیر و ۲ آذر ۱۴۰۴، او به اتهام قتل برای حضور در جلسه دادگاه در ۱۶ دی ۱۴۰۴ احضار شده بود.

شروین باقریان جبلی؛ نوجوان ۱۷ ساله‌ای که با تهدید به اعدام مادرش وادار به اعتراف شد



شروین باقریان جبلی که هنگام بازداشت تنها ۱۷ سال داشت و دانش‌آموز بود، در ارتباط با پرونده «میدان علیخانی» در زندان مرکزی اصفهان (دستگرد) با خطر اعدام قریب‌الوقوع روبه‌روست. این پرونده به اعتراضات ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ در اصفهان مربوط می‌شود که طی آن متهمان به کشتن چهار مأمور پلیس در میدان علیخانی متهم شدند. در ارتباط با این پرونده، حدود ۷۰ نفر بازداشت شدند، ۵۳ نفر محکومیت قضایی گرفتند و برای ۱۴ نفر حکم اعدام صادر شد. تاکنون ۹ نفر از متهمان هم‌پرونده شروین اعدام شده‌اند که از جمله آنان می‌توان به عرفان اسفندیاری، گل‌محمد محمدی، ابوالفضل سپاهی بادجانی، امیرحسین صفری حسین‌آبادی، قائم حسینی، علیرضا سپاهی بادجانی و علیرضا رئیسی اشاره کرد.

نیروهای امنیتی شروین را چند روز پس از اعتراضات، در محل سکونت او و خانواده‌اش بازداشت کردند، و نه در محل وقوع اعتراضات. همچنین هیچ سلاحی از او کشف نشد. باوجود این، شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان به ریاست قاضی مرتضی براتی و با حضور محمدرضا توکلی در جایگاه مستشار دادگاه، او را به اتهام بغی (شورش مسلحانه)، افساد فی‌الارض و اجتماع و تبانی علیه امنیت داخلی و خارجی کشور مجرم شناخت و دو حکم اعدام برایش صادر کرد. دیوان عالی کشور پس از آن حکم اعدام او را تأیید کرد و شعبه ۴۱ این دیوان نیز درخواست اعاده دادرسی او را رد کرد.

براساس قوانین ایران، تحقق جرم بغی مستلزم قیام یک گروه سازمان‌یافته و منسجم علیه حکومت اسلامی است و دست‌بردن به سلاح با هدف جنگیدن، یکی از ارکان اصلی این جرم به شمار می‌رود. هیچ سلاحی از شروین کشف نشد و تنها ادعای مسلح بودن را یکی دیگر از متهمان پرونده مطرح کرده بود. این متهم هنگام بازجویی، درحالی‌که دنده‌هایش زیر شکنجه شکسته بود، ادعا کرده بود که قمه‌ای در دست شروین دیده است. او پس از انتقال به بند عمومی زندان و خروج از بازداشتگاه تحت کنترل بازجویان، در نامه‌ای رسمی تمامی اظهارات خود درباره شروین را پس گرفت و به‌صراحت اعلام کرد که این اظهارات دروغ بوده و زیر شکنجه و اجبار از او گرفته شده است. شروین نیز در جریان رسیدگی قضایی اعلام کرد که تنها برای همراهی با مردم در آن شب حضور داشته و نه به کسی آسیبی رسانده و نه سلاحی همراه داشته است.

شروین پس از بازداشت، ۵۰ روز را در سلول انفرادی گذراند. او در این مدت قرآن می‌خواند به این امید که نجات پیدا کند. منابع مطلع به سازمان حقوق بشر ایران گفتند که به‌دلیل ازدحام بازداشتگاه‌های اصفهان و سن کم شروین، مأموران بیشتر دوران بازداشت او را در سلول‌های انفرادی بخش زنان، در مجاورت بازداشت‌شدگان زن، نگه داشتند. شروین از پشت دیوار سلول با زنان بازداشت‌شده در سلول‌های مجاور صحبت می‌کرد، آنان را «خاله» صدا می‌زد و بارها با نگرانی می‌گفت که بازجویان قصد دارند مادرش را به بازداشتگاه بیاورند و مورد آزار قرار دهند.

بازجویان چندین روز تلاش کردند از شروین اعتراف بگیرند، اما موفق نشدند. این بازجویی‌ها سرانجام به جلسه‌ای طولانی و بدون وقفه انجامید که از حدود ساعت ۸ یا ۹ صبح آغاز شد و تا ۴ یا ۵ عصر ادامه یافت. یکی از منابع آگاه تأکید کرد که شروین با وجود فشارهای مأموران همچنان از اعتراف خودداری می‌کرد و اصرار داشت که حتی در محل وقوع حادثه حضور نداشته است.

مأموران برای شکستن مقاومت شروین، او را تحت شکنجه شدید جسمی و روانی قرار دادند. او دو بار اعدام نمایشی را تجربه کرد و با تهدید به تجاوز جنسی و تحقیر مداوم به‌دلیل ظاهر و چهره‌اش روبه‌رو شد. بنابه اطلاع منابع آگاه، مأموران با اشاره به چهره شروین، او را هدف آزار کلامی جنسی قرار می‌دادند، «پسر خوشگل» خطابش می‌کردند و با عباراتی جنسی تهدید می‌کردند که شبانه او را خواهند برد و مورد تعرض قرار خواهند داد. زنان بازداشت‌شده در سلول‌های مجاور نیز تأیید کردند که مأموران به‌طور مداوم شروین را به تعرض جنسی تهدید می‌کردند، اما از وقوع تعرض جنسی فیزیکی علیه او اطلاعی نداشتند.

هنگامی که شروین همچنان از اعتراف خودداری کرد، بازجویان مادرش را احضار کردند و با چشمان بسته و درحالی‌که طنابی همراه داشتند، او را به اتاق بازجویی آوردند. مأموران مادر شروین را مقابل چشمان او شکنجه کردند، به شروین دستور دادند هیچ صدایی از خود درنیاورد و تهدید کردند که مادرش را برای اعدام به اتاق دیگری می‌برند. شروین از ترس جان مادرش سرانجام تسلیم شد و اعترافاتی را که بازجویان به او دیکته کردند، نوشت و امضا کرد.

رسانه‌های حکومتی در ۳ بهمن ۱۴۰۴، اعترافات اخذشده زیر شکنجه از شروین را در ویدئویی تبلیغاتی با عنوان «مستند شوک؛ وقایع دی‌ماه ۱۴۰۴ در اصفهان» پخش کردند. در این ویدئو، مقام‌های قضایی به شروین اعلام می‌کنند که به محاربه متهم و به اعدام محکوم شده است. او در پاسخ می‌پرسد: «محاربه یعنی چه؟» تنها زمانی که مأموران تشریح می‌کنند که منظور از محاربه اعدام است، این دانش‌آموز ۱۷ ساله متوجه معنای اتهامی می‌شود که می‌تواند مجازات مرگ درپی داشته باشد.

اگرچه در حکم نهایی شروین، اتهام محاربه با اتهامات بغی و افساد فی‌الارض جایگزین شد، او همچنان براساس اعترافات اجباری و اظهاراتی که یکی از متهمان هم‌پرونده‌اش بعداً پس گرفت، با حکم اعدام روبه‌رو است.

سپهر هونجانی



سپهر هونجانی هنگام بازداشت در ارتباط با پرونده «میدان علیخانی» اصفهان ۱۷ سال داشت و به اتهام محاربه و افساد فی‌الارض به اعدام محکوم شد. اطلاعات چندانی درباره پرونده او در دست نیست، اما پرونده‌اش به دادگاه اطفال و نوجوانان ارجاع شده و حکم اعدام او هنوز به تأیید دیوان عالی کشور نرسیده است.

متین محمدی و عرفان امیری؛ دو نوجوان ۱۷ ساله محکوم به اعدام در محاکمه‌ای تلویزیونی بدون امکان دفاع



متین محمدی و عرفان امیری که هر دو هنگام وقوع حوادث ۱۷ سال داشتند، در ارتباط با حمله به مسجد سیدالشهدا در پاکدشت در ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴، که به کشته‌شدن دو نیروی امنیتی انجامید، به اعدام محکوم شدند. شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری، آنان را با اتهامات «اقدام عملیاتی علیه امنیت داخلی با حضور موثر در اغتشاشات روز ۱۸ دی در شهرستان پاکدشت، اجتماع و تبانی جهت حضور و اقدام علیه امنیت داخلی کشور پیرو فراخوان‌های فضای مجازی معاندین بالاخص رئیس جمهور آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی، مشارکت در قتل دو جوان حافظ امنیت کشور در ماه حرام، تحریق عمدی مسجد سیدالشهدا و تخریب اموال عمومی» مجرم شناخت.

جلسه محاکمه آنان در ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ از تلویزیون حکومتی پخش شد، بی‌آن‌که هیچ‌یک از این دو نوجوان در جایگاه متهم حاضر شوند یا وکیل تسخیری برای دفاع از آنان در دادگاه حضور یابد. از پذیرش وکلای مستقل برای دفاع از متهمان جلوگیری شد و وکیل تسخیری نیز از برقراری ارتباط با خانواده‌های آنان خودداری کرد.[۵]

۵ سازمان حقوق بشر ایران، ۳۰ بهمن ۱۴۰۴، «صدور حکم اعدام برای دست‌کم ۲۶ معترض؛ صدها نفر دیگر در معرض خطر اعدام»، https://iranhr.net/fa/articles/۸۶۲٤/

در ۳ اردیبهشت ۱۴۰۵، خبر تأیید احکام اعدام آنان در دیوان عالی کشور منتشر شد. همچنین در ۹ اردیبهشت، میلاد پناهی‌پور و امیر رئیسیان، دو وکیل حقوق بشر که برای کمک به پیگیری این پرونده تلاش کرده بودند، احضار شدند و با اتهامات «نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام» روبه‌رو شدند. این دو وکیل پس از تفهیم اتهام با قرار وثیقه آزاد شدند.[۶]

تا نوامبر ۲۰۲۶، حکم اعدام متین محمدی همچنان به قوت خود باقی است، اما در گزارشی تأییدنشده به تبرئه عرفان امیری اشاره شده است. محل نگهداری این دو نفر در زندان نیز هنوز مشخص نیست.

نیما عربان؛ نوجوان ۱۷ ساله در معرض خطر اعدام در پرونده‌ای با روند قضایی نامشخص



نیما عربان، معترض ۱۷ ساله، در ارتباط با اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ در نائین استان اصفهان، به اعدام محکوم شده است. او در کانون اصلاح و تربیت اصفهان نگهداری می‌شود. بر اساس گزارش‌های رسمی، او به اتهام محاربه از طریق به‌خطرانداختن امنیت ملی با تیراندازی به‌سوی نیروهای امنیتی و همچنین تخریب و آتش‌زدن اموال عمومی به اعدام محکوم شده است. نیما در پرونده‌ای مشترک با عباس اکبری فیض‌آبادی، از دیگر معترضان که در ۴ خرداد ۱۴۰۵ اعدام شد، محکوم شده است. تاکنون اطلاعات مستقلی درباره روند رسیدگی قضایی به پرونده او در دسترس قرار نگرفته است.

اعدام‌شدگان سال ۲۰۲۶ که زمان وقوع جرم ادعایی کمتر از ۱۸ سال داشتند

امید مرادی؛ اعدام پس از ۲۱ سال حبس برای قتلی که در ۱۶ سالگی برای نجات جان دوستش به گردن گرفته بود



۶ سازمان حقوق بشر ایران، ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۵، «دست‌کم ۴۴ معترض در معرض خطر اعدام؛ صدها نفر دیگر در معرض اتهامات و احکام منجر به مجازات اعدام»، https://iranhr.net/fa/articles/۸۷۱۷/

امید مرادی در ۶ مرداد ۱۳۶۷ در ایذه متولد شد. او در ۱۶ سالگی فریب خورد و برای نجات دوستش از اعدام، بخشی از مسئولیت یک قتل را پذیرفت، بی‌آن‌که از پیامدهای مرگبار حقوقی این تصمیم آگاه باشد. امید توانایی مالی برای گرفتن وکیل انتخابی نداشت و تنها از وکیل تسخیری برخوردار شد. او در ۱۹ سالگی از کانون اصلاح و تربیت به زندان سپیدار اهواز منتقل شد.

پس از آن‌که عامل اصلی قتل در پی آزادی کوتاه‌مدت از ایران گریخت، دادگاه صرفاً بر اساس اعتراف اولیه امید، او را به قصاص نفس محکوم کرد و اعتراض‌های مکرر او مبنی بر بی‌گناهی‌اش را نادیده گرفت. امید در دوران حبس به مشکلات شدید تنفسی مبتلا شد و برای مدتی توانست با سپردن وثیقه، از مرخصی درمانی یک‌ساله استفاده کند. با این‌حال، پس از پایان مرخصی بار دیگر به زندان بازگردانده شد تا حکم اعدامش اجرا شود. سرانجام در ۳ خرداد ۱۴۰۵، امید مرادی پس از ۲۱ سال، به‌دلیل پذیرفتن مسئولیت قتلی که مرتکب نشده بود، در زندان سپیدار اهواز به دار آویخته شد.[۷]

میثم ایرندگانی؛ کودک کار بلوچ که به‌دلیل دفاع از پدربزرگش اعدام شد



میثم ایرندگانی، نوجوان بلوچ اهل خاش، در ۱۴ سالگی برای کمک به تأمین هزینه‌های خانواده‌اش در یک تعمیرگاه خودرو کار می‌کرد. او در اردیبهشت ۱۴۰۱، پس از خودداری از بازکردن قطعات یک خودروی سرقتی، با چند نفر درگیر مشاجره شد. هنگامی که پدربزرگش، که در نانوایی مجاور کار می‌کرد، برای اطلاع از ماجرا به محل آمد، یکی از چهار مرد حاضر به او حمله کرد. بنابه اطلاع منابع آگاه، میثم برای دفاع از پدربزرگش که هدف حمله قرار گرفته بود، با چاقو به یکی از مردان ضربه زد. میثم پس از این حادثه خود را به مأموران معرفی کرد و به کانون اصلاح و تربیت زاهدان منتقل شد. او بعدها به زندان ایرانشهر انتقال یافت و سرانجام در ۳۰ تیر ۱۴۰۵، پس از حدود چهار سال حبس، اعدام شد.[۸]

ماهان وفادار؛ اعدام مخفیانه به اتهام قتل در دفاع از خود



ماهان وفادار هنگام وقوع قتل انتسابی در ۲۰ شهریور ۱۳۹۹، که گفته می‌شود در دفاع از خود مرتکب شده بود، ۱۷ سال داشت. او به قصاص نفس محکوم شد و پس از شش سال حبس و انتظار برای اجرای حکم، در ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ در زندان دزفول مخفیانه اعدام شد.[۹] اجرای حکم بدون اطلاع قبلی، او را از حق آخرین ملاقات با خانواده و فرصت خداحافظی با عزیزانش محروم کرد.

۷ سازمان حقوق بشر ایران، ۸ مهر ۱۴۰۵، «اعدام امید مرادی پس از ۲۱ سال حبس؛ پذیرش مسئولیت قتل در ۱۵ سالگی برای نجات جان دوستش»، https://iranhr.net/fa/articles/۹۰٦۵/

۸ سازمان حقوق بشر ایران، ۱۰ مرداد ۱۴۰۵، «اعدام میثم ایرندگانی، شهروند بلوچ که احتمالاً هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال داشت، به اتهام قتل در ایرانشهر»، https://iranhr.net/fa/articles/۸۹٤۰/

۹ سازمان حقوق بشر ایران، ۱۱ آبان ۱۴۰۵، «اعدام مخفیانه ماهان وفادار به اتهام قتلی که گفته می‌شود پیش از ۱۸ سالگی مرتکب شده بود»، https://iranhr.net/fa/articles/۹۱۷٦/

نوید محمدپور؛ اعدام به اتهام جرمی که گفته می‌شود در ۱۵ سالگی مرتکب شده بود



برپایه اطلاعاتی که سازمان حقوق بشر ایران به‌دست آورده است، نوید محمدپور هنگام وقوع قتل انتسابی در اسفند ۱۳۹۸، تنها ۱۵ سال داشت. او به اتهام قتل در دادگاه کیفری به قصاص نفس محکوم شد و در ۱ شهریور ۱۴۰۵ در زندان دهدشت اعدام شد.[۱۰]

کشته‌شدگان اعتراضات

سرکوب اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ یکی از مهم‌ترین ابعاد بحران گسترده نقض حق حیات کودکان در ایران را نشان می‌دهد. سازمان حقوق بشر ایران کشته‌شدن دست‌کم ۲۸۱ فرد زیر ۱۸ سال، از جمله کودکان خردسال و نوجوانان، را در جریان این اعتراضات در تقریباً سراسر کشور مستند کرده است. آمارها و پرونده‌های قربانیان، ابعاد گسترده، شدت خشونت و ماهیت خودسرانه سرکوب اعتراضات را آشکار می‌کنند.

آمار و اطلاعات مربوط به کودکان کشته‌شده در اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴

بررسی سازمان حقوق بشر ایران از اطلاعات و مستندات مربوط به ۴ هزار و ۲۱۹ کشته‌شده و دو پیوست گزارش این سازمان درباره کشته‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ نشان می‌دهد[۱۱] که:

- دست‌کم ۲۸۱ فرد زیر ۱۸ سال (کودک) کشته شدند که ۲۵ نفر از آنان کمتر از ۱۴ سال داشتند.
- چهار نفر از کشته‌شدگان ثبت‌شده کمتر از پنج سال داشتند: یک نوزاد چهارونیم‌ماهه، دو کودک دوساله و یک کودک سه‌ساله.
- ۲۰۵ نفر از کشته‌شدگان زیر ۱۸ سال (معادل ۷۳درصد از مجموع کودکان کشته‌شده) ۱۶ یا ۱۷ سال داشتند.
- از میان ۲۵۸ کودکی که تاریخ دقیق کشته‌شدنشان مشخص شده است، ۲۳۱ نفر، معادل ۸۹٫۵ درصد، در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه کشته شدند.
- کودکان در دست‌کم ۲۷ استان از مجموع ۳۱ استان ایران کشته شدند که نشان‌دهنده گستردگی جغرافیایی خشونت در سراسر کشور است. کشته‌شدگان اعتراضات در مجموع، در ۳۰ استان کشور ثبت شده است.

۱۰ سازمان حقوق بشر ایران، ۳ شهریور ۱۴۰۵، «اعدام نوید محمدپور به اتهام قتل در دهدشت»، https://iranhr.net/fa/articles/۸۹۹۲/

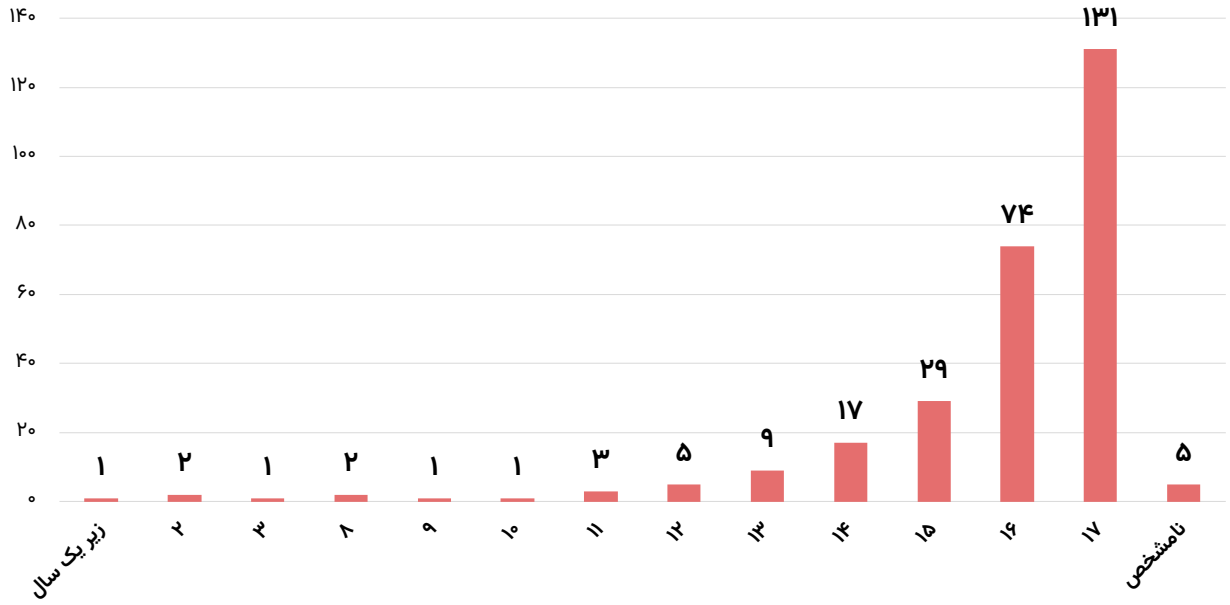
۱۱ سازمان حقوق بشر ایران، ۲۶ شهریور ۱۴۰۵، «کشتار معترضان در دی‌ماه ۱۴۰۴ در ایران»، https://iranhr.net/fa/reports/٤٦/

- بیشترین شمار کودکان کشته‌شده در استان‌های تهران (۸۰ نفر)، خراسان رضوی (۴۴ نفر)، اصفهان (۳۲ نفر) و البرز (۲۹ نفر) ثبت شده است.

- رقم ۲۸۱ نفر، حداقل شمار مستندشده کودکان کشته‌شده است. سن ۸۴۳ نفر از مجموع ۴ هزار و ۲۱۹ قربانی مستندشده هنوز مشخص نیست و ممکن است افراد زیر ۱۸ سال دیگری نیز در میان کشته‌شدگان ثبت‌شده وجود داشته باشند.

- براساس گزارش‌های رسمی، چهار نفر از کشته‌شدگان ۱۵ تا ۱۷ ساله، از اعضای «بسیج دانش‌آموزی» بودند که برای کمک به سرکوب اعتراضات به کار گرفته شده بودند.

توزیع سنی کشته‌شدگان زیر ۱۸ سال در اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴



توزیع سنی دست‌کم ۲۸۱ کودک کشته‌شده در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ در ایران. بیشترین شمار قربانیان مربوط به افراد ۱۷ ساله (۱۳۱ نفر) و ۱۶ ساله (۷۴ نفر) است. همچنین ۲۵ نفر از کشته‌شدگان کمتر از ۱۴ سال داشتند که یک نوزاد زیر یک سال نیز در میان آنان بود. سن دقیق پنج نفر از قربانیانی که زیر ۱۸ سال بودنشان تأیید شده، هنوز مشخص نیست.

ماهیت خشونت علیه کودکان

کشته‌شدن دست‌کم ۲۸۱ کودک یکی از روشن‌ترین نشانه‌های ابعاد گسترده و شدت خشونت در سرکوب اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ است. کشته‌شدن افراد زیر ۱۸ سال در دست‌کم ۲۷ استان کشور ثبت شده است. نزدیک به ۹۰ درصد از این قربانیان که تاریخ دقیق کشته‌شدنشان مشخص است، تنها در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه هدف خشونت مرگبار نیروهای حکومتی قرار گرفتند. این گستردگی جغرافیایی و تمرکز زمانی چشمگیر نشان می‌دهد که کشتارها نه نتیجه درگیری‌های پراکنده یا خشونت خودسرانه مأموران، بلکه بخشی از سرکوب مرگبار و سراسری اعتراضات بوده است.

قربانیان از گروه‌های سنی مختلف، از نوزادان و کودکان خردسال تا شمار زیادی از نوجوانان، بودند. دست‌کم ۲۵ نفر از قربانیان کمتر از ۱۴ سال داشتند. همچنین ۲۰۵ نفر از آنان ۱۶ یا ۱۷ ساله بودند که نزدیک به سه‌چهارم مجموع کشته‌شدگان زیر ۱۸ سال را تشکیل می‌دهند. وجود نوزادان و کودکان خردسال در میان کشته‌شدگان، به‌روشنی ماهیت کور و بی‌تمایز این خشونت را نشان می‌دهد که

هیچ‌کس را، در هر سنی، مستثنا نکرده است. ملینا اسدی، کودک سه‌ساله، هنگامی هدف گلوله قرار گرفت که همراه پدرش برای خرید شیرخشک رفته بود. در این گزارش همچنین به نوجوان ۱۵ ساله افغانستانی اشاره شده است که گفته شده است، هنگام خرید هدف گلوله قرار گرفت. چنین مواردی نشان می‌دهند که استفاده از خشونت مرگبار، نه‌تنها جان معترضان، بلکه جان تمامی افرادی را که در مناطق سرکوب اعتراضات حضور داشتند، به خطر انداخته بود.

افزون بر این، براساس گزارش رسانه‌های حکومتی، چهار نفر از کشته‌شدگان ۱۵ تا ۱۷ ساله، از اعضای بسیج دانش‌آموزی بودند که برای کمک به سرکوب اعتراضات به کار گرفته شدند.[۱۲] بسیج دانش‌آموزی، شاخه داوطلبانه شبه‌نظامی نوجوانان وابسته به نیروی بسیج سپاه پاسداران است که در مدارس ابتدایی و متوسطه فعالیت می‌کند. به‌کارگیری افراد زیر ۱۸ سال در سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات، نقض تعهدات الزام‌آور ایران براساس کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مقاوله‌نامه شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار («کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک» شماره ۱۸۲، مصوب ۱۹۹۹) درباره بدترین اشکال کار کودک است. این اسناد، حکومت را موظف می‌کنند از افراد زیر ۱۸ سال در برابر خشونت، بهره‌کشی و فعالیت‌های خطرناکی که جان آنان را به خطر می‌اندازد، محافظت کند.

شمار کودکان کشته‌شده به‌ویژه زمانی اهمیت پیدا می‌کند که در کنار دیگر شواهد درباره شیوه سرکوب بررسی شود. سازمان حقوق بشر ایران استفاده گسترده از سلاح‌های جنگی و مرگبار، شلیک مستقیم به جمعیت، تیراندازی از پشت به افراد یا شلیک به کسانی که در حال فرار بودند، به‌کارگیری تک‌تیراندازان و اصابت مکرر گلوله به اندام‌های حیاتی، ازجمله سر، گردن، چشم‌ها، قفسه‌سینه و قلب را مستند کرده است. شیوه‌های مشابهی از سرکوب در استان‌های مختلف گزارش شده است و استقرار تک‌تیراندازان بر پشت‌بام‌ها و نقاط مرتفع، مستلزم برنامه‌ریزی قبلی و صدور دستورهای عملیاتی بوده است.

در مجموع، آمار کودکان کشته‌شده تصویری از سرکوبی را تأیید می‌کند که با کشتار بسیار گسترده، خشونت کور و بی‌تمایز و نبود هرگونه خویشتنداری واقعی همراه بوده است. مقام‌های جمهوری اسلامی از نیروی مرگبار در چنان ابعادی و به چنان شیوه‌ای استفاده کردند که صدها کودک، چه معترض و چه افرادی که در اعتراضات نقشی نداشتند، کشته شدند. شمار بالای کشته‌شدگان ۱۶ و ۱۷ ساله همچنین نشان می‌دهد که در عمل، هنگام استفاده از خشونت مرگبار علیه جمعیت معترضان، نوجوانان از هیچ‌گونه حمایتی بیش از بزرگسالان برخوردار نبودند.

بخش عمده کشتار افراد زیر ۱۸ سال در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه رخ داد، درست زمانی که اینترنت در سراسر کشور قطع شده بود. براساس گزارش سازمان حقوق بشر ایران درباره کشته‌شدگان اعتراضات درماه ۱۴۰۴، بسیاری از کسانی که ۱۹ دی به خیابان آمدند، از ابعاد کشتار شب پیش از آن آگاه نبودند. قطع اینترنت نه‌تنها مانع آگاهی عمومی از خشونت در زمان وقوع آن شد، بلکه مستندسازی بعدی را نیز بسیار دشوار کرد.

در نهایت، آمار تأییدشده ۲۸۱ کودک کشته‌شده باید حداقل شمار قربانیان زیر ۱۸ سال در نظر گرفته شود. سن ۸۴۳ نفر از کشته‌شدگان مستندشده هنوز مشخص نیست و به همین دلیل، شمار واقعی کودکان کشته‌شده ممکن است به‌مراتب بیشتر باشد. کشتار دی‌ماه ۱۴۰۴، در کنار ادامه اعدام افراد به اتهام جرائم ارتکابی پیش از ۱۸ سالگی و صدور احکام اعدام در پرونده‌های مرتبط با اعتراضات برای این افراد، بخشی از بحران گسترده و حاد نقض حق حیات کودکان در ایران است.

---

۱۲ خبرگزاری مهر، ۳۰ دی ۱۴۰۴، «جزئیاتی از شهدای نوجوان اغتشاشات اخیر در نیشابور»، https://www.mehrnews.com/news/٦٧٢٦٢٦٥/جزییاتی-از-شهدای-نوجوان-اغتشاشات-اخیر-در-نیشابور

شبکه خبر دانشجو، ۲۶ دی ۱۴۰۴، «گفت‌وگوی اختصاصی SNNTV با خانواده شهید ایلیا علیخانی + فیلم»، https://snn.ir/fa/news/۱۳۵۷۱۱۲/گفت‌وگوی-اختصاصی-snntv-با-خانواده-شهید-ایلیا-علیخانی-فیلم

کودکان کشته‌شده در اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴

امیرعلی قنبرزاده؛ شلیک به صورت نوجوان ۱۶ ساله مقابل چشمان مادرش، دقایقی پس‌از پیوستن به اعتراضات



امیرعلی قنبرزاده، دانش‌آموز ۱۶ ساله‌ای که همراه خانواده‌اش در آریاشهر تهران زندگی می‌کرد، در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ در گرمدره کرج با شلیک نیروهای امنیتی کشته شد.[۱۳] بنابه اطلاع یکی از نزدیکان خانواده، امیرعلی روز ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ به گرمدره، محل کار پدرش، رفت و اصرار داشت در اعتراضاتی که در آن منطقه جریان داشت، شرکت کند. او در پاسخ به نگرانی خانواده‌اش گفته بود: «باید مقابل این بی‌عدالتی بایستیم و حقمان را پس بگیریم.»

امیرعلی آن شب با موافقت خانواده‌اش به خیابان رفت. کمتر از ۱۰ دقیقه بعد، نیروهای لباس‌شخصی و بسیج مقابل چشمان مادرش، او را با گلوله جنگی هدف قرار دادند. چند معترض دیگر نیز که همراه او در صف‌های نخست اعتراضات حضور داشتند، هدف گلوله قرار گرفتند و زخمی یا کشته شدند. مادر امیرعلی بلافاصله او را در آغوش گرفت. بنابه اطلاع یکی از نزدیکان خانواده، سه گلوله جنگی با کالیبر کوچک به صورت امیرعلی اصابت کرده بود؛ دو گلوله به جمجمه و یک گلوله به فک او. صورتش غرق خون شده و اما هنوز زنده بود.

مادرش با کمک رهگذران، امیرعلی را با خودرویی عبوری به بیمارستان امام علی کرج رساند. بیمارستان مملو از معترضان زخمی و کشته‌شده بود که بیشتر آنان از ناحیه سر یا قلب هدف گلوله قرار گرفته بودند. امیرعلی تا حدود ساعت ۲:۳۰ بامداد زنده ماند و سپس پزشکان مرگ او را اعلام کردند.

روز بعد، ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴، خانواده امیرعلی برای تحویل پیکرش به پزشکی قانونی مستقر در آرامستان بهشت سکینه کرج مراجعه کردند. براساس گزارش منابع مطلع، شمار کشته‌شدگان به‌اندازه‌ای زیاد بود که پیکرها را در راهروها قرار داده بودند و به‌دلیل کمبود کیسه مخصوص حمل جسد، چندین پیکر را در پوشش‌های پلاستیکی شفاف پیچیده بودند. پزشک قانونی شماره ۲۳۷ را به پیکر امیرعلی اختصاص داده بود و پس از او نیز پیکرهای بسیاری ثبت شده بودند. آسیب شدید به صورت امیرعلی باعث شد پدر و مادرش در نهایت او را از روی لباس‌هایش شناسایی کنند.

هنگام تحویل پیکر، نیروهای امنیتی پدر امیرعلی را تحت فشار قرار دادند تا فرم مشخصی را امضا کند. بر اساس این فرم، او باید یکی از دو روایت را می‌پذیرفت: یا پسرش عضو بسیج بوده و «شهید» شده است، یا بر اثر سقوط از پشت‌بام کشته شده است. خانواده حاضر نشدند امیرعلی را بسیجی معرفی کنند و در نهایت شرط دوم را پذیرفتند.

مأموران همچنین مراسم خاک‌سپاری را به حضور شمار محدودی از بستگان نزدیک محدود و خانواده را از انتشار مطلب در اینستاگرام یا اطلاع‌رسانی در فضای مجازی منع کردند. نیروهای امنیتی فهرستی از بازداشت‌شدگان را نیز به خانواده نشان دادند و گفتند: «ما این افراد تروریست را دستگیر کرده‌ایم. اگر از یکی از آن‌ها شکایت کنید، پرونده شما را پیگیری می‌کنیم.» خانواده این پیشنهاد را نیز رد کردند. در ۲۲ دی‌ماه ۱۴۰۴، به درخواست خانواده، پیکر امیرعلی به آرامستان بهشت زهرا منتقل شد و با حضور شمار محدودی از بستگان نزدیک به خاک سپرده شد. مأموران اجازه برگزاری مراسم یادبود در مسجد را نیز ندادند.

چند روز بعد، نیروهای امنیتی به دیدار خانواده قنبرزاده رفتند و پیشنهاد کردند در صورت موافقت با ثبت رسمی نام امیرعلی به‌عنوان «شهید»، از حمایت مالی بنیاد شهید و امور ایثارگران برخوردار شوند. خانواده بار دیگر این پیشنهاد را رد کردند.

یکی از نزدیکان خانواده، امیرعلی را نوجوانی بسیار سرزنده و پرانرژی توصیف کرد که علاقه زیادی به بسکتبال و ژیمناستیک داشت. او فرزند بزرگ خانواده بود و خواهری سه‌ساله داشت که هنوز منتظر بازگشت برادری است که دیگر به خانه بازنخواهد گشت.

۱۳ سازمان حقوق بشر ایران، ۷ اسفند ۱۴۰۴، «روایت قربانیان: امیرعلی قنبرزاده، ۱۶ ساله، دقایقی پس از پیوستن به اعتراضات با شلیک گلوله کشته شد»، https://iranhr.net/fa/articles/۸٦٤۱/

سینا اشگبوسی؛ نوجوانی که آرزوی پزشک‌شدن داشت، چند روز پس‌از تولد ۱۶ سالگی کشته شد



سینا اشگبوسی، شامگاه ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴، تنها چند روز پس از تولد ۱۶ سالگی‌اش، در جریان اعتراضات سراسری در فلکه سوم تهرانپارس تهران با شلیک نیروهای امنیتی کشته شد.[۱۴] بنابه اطلاع یکی از بستگان سینا، آن شب جمعیت زیادی در فلکه سوم تهرانپارس تجمع کرده بودند و در ابتدا اثری از حضور نیروهای امنیتی یا نظامی دیده نمی‌شد. سینا ناگهان همراه ده‌ها جوان دیگر تصمیم گرفت به صف نخست جمعیت برود و با تشکیل یک صف دفاعی، از دیگر معترضان محافظت کند. او چنان خوشحال و امیدوار بود که پیوسته خطاب به خانواده‌اش فریاد می‌زد: «پیروز شدیم! پیروز شدیم!»

بین ساعت ۹:۳۰ تا ۱۰ شب، ناگهان صدای شلیک پیاپی گلوله در خیابان پیچید و همه‌چیز به‌سرعت اتفاق افتاد. در پی تیراندازی مکرر نیروهای امنیتی، خیابان در چند لحظه غرق خون شد. پدر و مادر سینا بارها با تلفن همراهش تماس گرفتند، اما پاسخ نداد تا این‌که سرانجام فردی گوشی را برداشت و به آنان اطلاع داد که سینا زخمی شده و او را به بیمارستان تهرانپارس منتقل کرده‌اند. خانواده بلافاصله خود را به بیمارستان رساندند، اما سینا بر اثر اصابت دو گلوله جنگی به شکم و قلبش کشته شده بود.

از آن‌جا که خانواده پیش از انتقال پیکر سینا به پزشکی قانونی به بیمارستان رسیدند، ناچار نشدند برای شناسایی او در میان صدها پیکر جست‌وجو کنند. با این‌حال، به‌گزارش منابع مطلع، خانواده تنها پس از پنج روز پیگیری مداوم توانستند پیکر سینا را تحویل بگیرند. نهادهای امنیتی همچنین از خانواده تعهد کتبی گرفتند که مراسم خاک‌سپاری را بدون اطلاع‌رسانی عمومی و در سکوت برگزار کنند.
سینا پیش از کشته‌شدن به کشورهای زیادی سفر کرده و آزادی را از نزدیک تجربه کرده بود. او آرزو داشت مردم ایران نیز روزی مانند مردم بسیاری از کشورهای دیگر در رفاه، امنیت و آزادی زندگی کنند. به همین دلیل، با آغاز اعتراضات تصمیم گرفت همراه خانواده‌اش برای «آزادی ایران» به خیابان برود.

سینا تنها فرزند خانواده‌ای اهل فرهنگ بود. مادرش نویسنده بود و از شش‌سالگی سینا، هر شب نخستین کتاب خود با عنوان «افسانه پسر طلایی» را برای او می‌خواند. سینا آرزو داشت در آینده پزشک شود. یکی از نزدیکان خانواده با اشاره به این آرزوها گفت که جمهوری اسلامی با شلیک دو گلوله، تمام رؤیاهای او را نابود کرد. به‌گفته یکی از نزدیکان خانواده، پدر و مادر سینا همچنان تحت نظارت شدید و فشار نیروهای امنیتی قرار دارند. تماس‌های تلفن ثابت خانه آنان کنترل می‌شود و خانواده حتی اجازه برقراری ارتباط با نزدیک‌ترین بستگان خود در خارج از کشور را ندارد.

ملینا اسدی؛ کودک سه‌ساله‌ای که هنگام خرید شیرخشک برای برادر کوچک‌ترش با شلیک نیروهای حکومتی کشته شد



شامگاه ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴، ملینا اسدی، کودک سه‌ساله اهل کرمانشاه، هنگامی که همراه پدرش برای خرید شیرخشک برای برادر کوچک‌ترش از خانه خارج شده بود، با شلیک نیروهای حکومتی کشته شد. خانواده ملینا تحت فشار نهادهای امنیتی اعلام کردند که دخترشان بر اثر تیراندازی معترضان کشته شده است.

کشته‌شدن ملینا نشان می‌دهد که استفاده از سلاح‌های جنگی در مناطق مسکونی و پرجمعیت، جان کودکان را به‌طور مستقیم در خطر قرار داده است.

۱۴ سازمان حقوق بشر ایران، ۱۳ بهمن ۱۴۰۴، «روایت قربانیان: سینا اشگبوسی، معترض ۱۶ ساله‌ای که آرزوهایش ناتمام ماند»، https://iranhr.net/fa/articles/۸۵۸۲/

جدول اسامی ۲۸۱ کودک کشته‌شده
در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴

ردیف	نام و نام‌خانوادگی	سن	استان	تاریخ کشته‌شدن
۱	آذرنوش خراسانی	۸	خراسان رضوی	۱۹ دی
۲	آرتین خواجوی‌نیا	۱۶	تهران	۱۸ دی
۳	آرتین لواحی	۱۴	گیلان	دی ماه
۴	آرش آقاعلی	۱۳	تهران	۱۹ دی
۵	آرش احمدوند	۱۶	تهران	۱۸ دی
۶	آرمان استواری	۱۷	فارس	۱۸ دی
۷	آروین سالمی‌راد	۱۶	بوشهر	۳ بهمن
۸	آروین مرادی توقع	۱۵	البرز	۱۸ دی
۹	آروین وفائی	۱۷	تهران	۱۸ دی
۱۰	آریا شوقی تکمه‌داش	۱۶	البرز	۱۸ دی
۱۱	آرین عشقی شالدهی	۱۴	تهران	۱۸ دی
۱۲	آرین قاسمی‌زاده	۱۵	تهران	۱۹ دی
۱۳	آرین قاسمی‌فر	۱۷	کرمانشاه	۱۹ دی
۱۴	آمیتیس صادقی	۱۶	تهران	۱۸ دی
۱۵	آنیلا ابوطالبیان الیادرانی	۸	اصفهان	۱۹ دی
۱۶	آیناز رحیمی (حاجی‌آبادی)	۱۳	اصفهان	۱۸ دی
۱۷	ابراهیم نادری	۱۴	تهران	۱۹ دی
۱۸	ابوالفضل آروین‌طلب	۱۷	البرز	۱۸ دی
۱۹	ابوالفضل امیرآبادی	۱۷	مرکزی	۱۸ دی
۲۰	ابوالفضل باجول	۱۶	اصفهان	۱۹ دی
۲۱	ابوالفضل بامدادی اصیل	۱۴	یزد	۱۸ دی
۲۲	ابوالفضل پالیزی	۱۶	خراسان شمالی	۱۸ دی
۲۳	ابوالفضل پایدار	۱۷	خراسان رضوی	۱۸ دی
۲۴	ابوالفضل تک‌پازوکی	۱۷	تهران	۱۸ دی
۲۵	ابوالفضل دهقانی	۱۴	کردستان	۱۸ دی
۲۶	ابوالفضل عزیزی طالب‌قشلاقی	۱۷	مازندران	۱۷ دی
۲۷	ابوالفضل فعله کری (گری)	۱۶	کرمانشاه	۱۸ دی
۲۸	ابوالفضل کرامت	۱۶	خراسان رضوی	دی ماه
۲۹	ابوالفضل نوروزی عنبرکه	۱۶	خراسان رضوی	۱۸ دی
۳۰	ابوالفضل وحید قزلجه‌میدان (وحیدی)	۱۳	تهران	۱۸ دی
۳۱	ابوالفضل یغموری	۱۷	البرز	۱۹ دی
۳۲	احسان لرستان	۱۷	؟	دی ماه
۳۳	احمد رعنایی	کودک	خراسان رضوی	دی ماه
۳۴	احمد سگوند	۱۷	؟	دی ماه
۳۵	ارشیا عسکری	۱۷	خراسان رضوی	۱۹ دی
۳۶	اسرا طاووسی‌نیا	۱۴	کرمانشاه	۴ بهمن
۳۷	اسماعیل پیش‌رو	۱۷	خراسان رضوی	۱۸ دی
۳۸	امیر یکتائی یگانه	۱۶	تهران	۱۸ دی

IRAN HUMAN RIGHTS

ردیف	نام و نام‌خانوادگی	سن	استان	تاریخ کشته‌شدن
۳۹	امیرحسین بصیری‌ملو	۱۶	خراسان رضوی	۱۸ دی
۴۰	امیرحسین حضرتی	۱۶	تهران	۱۸ دی
۴۱	امیرحسین دونلو	۱۶	گلستان	۱۸ دی
۴۲	امیرحسین سرتیبی (سرتیپی)	۱۵	تهران	۱۹ دی
۴۳	امیرحسین شهبازی	۱۷	اردبیل	دی ماه
۴۴	امیرحسین قارداشی	۱۵	خراسان رضوی	۱۹ دی
۴۵	امیرحسین کارگران	۱۷	تهران	۱۸ دی
۴۶	امیرحسین کاوه	۱۶	خراسان رضوی	۱۸ دی
۴۷	امیرحسین مؤید	۱۷	لرستان	۱۸ دی
۴۸	امیرحسین محمدی عبده‌وند	۱۶	اصفهان	۱۹ دی
۴۹	امیرحسین مرادی	۱۶	خراسان رضوی	۱۹ دی
۵۰	امیرحسین نصرتی	۱۶	خراسان رضوی	۱۹ دی
۵۱	امیررضا ابراهیمی	۱۷	تهران	۱۹ دی
۵۲	امیررضا شبانی شاندیز	۱۷	خراسان رضوی	۱۸ دی
۵۳	امیرسالار بهمن‌نژاد	۱۶	اصفهان	۱۹ دی
۵۴	امیرعباس امینی	۱۲	مرکزی	۱۹ دی
۵۵	امیرعباس مومنی آقاچکندی	۱۷	تهران	۱۸ دی
۵۶	امیرعلی برجی	۱۶	مرکزی	۱۸ دی
۵۷	امیرعلی پرویزی	۱۷	تهران	۱۹ دی
۵۸	امیرعلی پهلوان‌زاده اللو	۱۵	تهران	۱۸ دی
۵۹	امیرعلی حیدری	۱۶	خراسان رضوی	۱۹ دی
۶۰	امیرعلی حیدری جعفرآبادی	۱۷	کرمانشاه	۱۸ دی
۶۱	امیرعلی دارابی	۱۷	مازندران	۱۸ دی
۶۲	امیرعلی شارعی	۱۶	تهران	۱۹ دی
۶۳	امیرعلی صیامی	۱۷	خراسان رضوی	۱۹ دی
۶۴	امیرعلی طاهری	۱۶	اصفهان	۱۸ دی
۶۵	امیرعلی ظاهری	۱۷	همدان	۱۲ دی
۶۶	امیرعلی فلاح‌پور	کودک	البرز	۱۸ دی
۶۷	امیرعلی قنبرزاده نوشنق	۱۶	البرز	۱۹ دی
۶۸	امیرعلی گودرزی	۱۳	همدان	۱۷ دی
۶۹	امیرعلی منصفی	۱۶	تهران	۱۸ دی
۷۰	امیرعلی موذنی	۱۷	اصفهان	۱۸ دی
۷۱	امیرعلی یحیائی	۱۷	خوزستان	۳ بهمن
۷۲	امیرمحمد ارباب‌پوری	۱۵	کرمانشاه	۱۸ دی
۷۳	امیرمحمد سگوند (معتمدی)	۱۷	لرستان	۱۸ دی
۷۴	امیرمحمد شاه‌کرمی	۱۴	تهران	۱۸ دی
۷۵	امیرمحمد شریفی	۱۵	فارس	۱۸ دی
۷۶	امیرمحمد صفری	۱۵	تهران	۱۸ دی
۷۷	امیرمحمد ملکشاهی	۱۷	ایلام	۱۳ دی
۷۸	امیرمهدی شکیبا	۱۵	بوشهر	۱۸ دی
۷۹	امیرمهدی کشاورز سیاهپوش	۱۷	قزوین	۱۹ دی
۸۰	امیرمهدی مرادی گلدره	۱۵	تهران	۱۹ دی
۸۱	امیرمهدی نعمتی‌نژاد	۱۷	مرکزی	۱۸ دی

ردیف	نام و نام‌خانوادگی	سن	استان	تاریخ کشته‌شدن
۸۲	امین سلیمانی	۱۶	کرمان	۱۸ دی
۸۳	ایلیا جعفری ثانی	۱۵	خراسان رضوی	۱۷ دی
۸۴	ایلیا علیخانی فرادنبه	۱۷	اصفهان	۱۸ دی
۸۵	ایلیا قدسی همپا	۱۷	تهران	۱۸ دی
۸۶	ایمن ناصری	۱۷	خوزستان	۱۸ دی
۸۷	باربد علی طهرانی (تهرانی)	۱۷	تهران	۱۸ دی
۸۸	برنا دهقانی	۱۷	البرز	۱۹ دی
۸۹	بنیامین اقدامی	۱۷	البرز	۱۸ دی
۹۰	بنیامین محمدی	۱۵	تهران	۱۸ دی
۹۱	بهار سیفی	۲	خراسان رضوی	۲۵ دی
۹۲	بهاره شاه‌مهری	۱۷	خراسان رضوی	۱۹ دی
۹۳	پارسا لرستانی بیرانوند	۱۶	لرستان	۱۸ دی
۹۴	پارسا معدنچیان	۱۷	تهران	۱۸ دی
۹۵	پدرام خالوئی	۱۵	اصفهان	۱۹ دی
۹۶	پرنیان دبیری آبکناری	۱۶	تهران	۱۹ دی
۹۷	پریا اکبری	۱۷	تهران	۱۸ دی
۹۸	پویا جعفری	۱۵	فارس	۱۸ دی
۹۹	پویا درخشان	۱۷	تهران	۱۸ دی
۱۰۰	پویا کریمی	۱۷	خراسان شمالی	۱۹ دی
۱۰۱	تبسم صالحی	۱۷	هرمزگان	۱۹ دی
۱۰۲	تینا حسینی	۱۶	گلستان	دی ماه
۱۰۳	ثنا توسنگی	۱۲	البرز	۱۹ دی
۱۰۴	جاوید رضائی	۱۷	زنجان	۱۸ دی
۱۰۵	جبار پناهی آزاد	۱۵	فارس	۱۹ دی
۱۰۶	جواد حیدری	۱۷	اصفهان	۱۹ دی
۱۰۷	جواد کاظمی	۱۳	تهران	۱۸ دی
۱۰۸	حسام شومالی	۱۶	اصفهان	۱۹ دی
۱۰۹	حسنا شهدوستی	۱۴	هرمزگان	۱۸ دی
۱۱۰	حسین سروستانی	۱۶	خراسان شمالی	دی ماه
۱۱۱	حنانه عزیزی	۱۷	اصفهان	۱۸ دی
۱۱۲	حیدرعلی براتی کردکانلو	۱۵	تهران	۱۸ دی
۱۱۳	دانیال داداشیار رازلیقی	۱۷	تهران	۲۵ دی
۱۱۴	دانیال قمر شوشتری	۱۷	خوزستان	۱۹ دی
۱۱۵	دیاکو گنجور	۱۷	چهارمحال و بختیاری	۱ بهمن
۱۱۶	رامتین میرزادخت محمودآباد	۱۷	تهران	۱۸ دی
۱۱۷	رسول کدیوریان	۱۷	کرمانشاه	۱۳ دی
۱۱۸	رضا امیری	۱۷	خوزستان	۱۸ دی
۱۱۹	رضا قنبری	۱۷	کرمانشاه	۱۳ دی
۱۲۰	رضا کاوسی	۱۶	البرز	۱۸ دی
۱۲۱	رضا مرادی عبدالوند	۱۷	لرستان	۱۵ دی
۱۲۲	رضا نوروزی	۱۶	البرز	دی ماه
۱۲۳	رهام برجسته	۱۱	خراسان رضوی	۱۸ دی
۱۲۴	رهام سعادتی لطف	۱۷	البرز	۱۸ دی

ردیف	نام و نام‌خانوادگی	سن	استان	تاریخ کشته‌شدن
۱۲۵	ریبین مرادی	۱۷	تهران	۱۸ دی
۱۲۶	زهرا معبودی زرنق	۱۷	البرز	۱۹ دی
۱۲۷	ساجده کریمی پیرموسائی	۱۷	گیلان	۱۸ دی
۱۲۸	سام افشاری	۱۷	البرز	۱۸ دی
۱۲۹	سام صحبت‌زاده	۱۴	تهران	۱۸ دی
۱۳۰	سامیار علی‌پور	۱۵	تهران	۱۸ دی
۱۳۱	سپهر سلطانی	۱۵	اصفهان	۲۰ دی
۱۳۲	ستایش صمدی	۱۶	خراسان رضوی	۱۸ دی
۱۳۳	سجاد خالق‌زاده	کودک	البرز	۱۹ دی
۱۳۴	سجاد صمدی نوقابی	۱۷	خراسان رضوی	۱۹ دی
۱۳۵	سجاد غنی	۱۷	هرمزگان	۱۸ دی
۱۳۶	سروش اسحقی یزدآبادی	۱۷	اصفهان	۱۹ دی
۱۳۷	سعید رضائی برزانی	۱۷	اصفهان	۱۹ دی
۱۳۸	سمیرا خانی	۱۲	مازندران	۱۸ دی
۱۳۹	سهند ناصری کتکی	۱۵	البرز	۱۸ دی
۱۴۰	سهیل فتوحی	۱۷	گیلان	۱۹ دی
۱۴۱	سودا اکرمی‌فرد اسبفروشان	۱۶	البرز	۱۹ دی
۱۴۲	سید طاها هاشمی	۱۷	خراسان رضوی	دی ماه
۱۴۳	سید علی (دیاکو) رمضانی‌زاده	۱۷	کرمان	۱۸ دی
۱۴۴	سید محمدیاسین داوودنبی	۱۷	تهران	۱۸ دی
۱۴۵	سید محمدیوسف قربان‌نژاد لابرودی	۱۶	تهران	۲۱ دی
۱۴۶	سید مهدی عابدی شاخالی	۱۷	گیلان	۱۸ دی
۱۴۷	سیما ملکی	کودک	؟	دی ماه
۱۴۸	سینا اسدبیگی	۱۷	تهران	۱۸ دی
۱۴۹	سینا اشگبوسی	۱۶	تهران	۱۸ دی
۱۵۰	سینا لواسانی	۱۷	تهران	۱۹ دی
۱۵۱	سینا ملکی	۱۷	کرمانشاه	۱۸ دی
۱۵۲	شاهرخ همایونی املشی	۱۴	گیلان	۲۸ دی
۱۵۳	شایان اسدی	۱۷	تهران	۱۸ دی
۱۵۴	شایان گرجی	۱۳	اصفهان	۱۹ دی
۱۵۵	شروین جعفریان	۹	تهران	دی ماه
۱۵۶	صالح رشیدمحمد	۱۷	کرمان	۱۹ دی
۱۵۷	صدرا بهشتی	۱۶	؟	دی ماه
۱۵۸	طاها صادقی‌گزنی	۱۷	تهران	۱۸ دی
۱۵۹	طاها صفری پالنگری	۱۶	لرستان	۱۲ دی
۱۶۰	طاها قائمی	۱۶	خراسان رضوی	۱۸ دی
۱۶۱	طاها هوشیار باغبانانی	۱۲	تهران	۱۸ دی
۱۶۲	طاهر شریفی	۱۴	تهران	دی ماه
۱۶۳	عباس کلهر	۱۷	البرز	۱۸ دی
۱۶۴	عرشیا گلپرانی	۱۶	خراسان رضوی	دی ماه
۱۶۵	عرفان حسن‌نژاد	۱۷	خراسان رضوی	۱۸ دی
۱۶۶	علا قشقائی	۱۵	تهران	۱۸ دی
۱۶۷	علی اباذری	۱۶	تهران	۱۹ دی

ردیف	نام و نام‌خانوادگی	سن	استان	تاریخ کشته‌شدن
۱۶۸	علی الماسی	۱۷	فارس	دی ماه
۱۶۹	علی امیردادی رخنه	۱۴	خراسان رضوی	۱۸ دی
۱۷۰	علی پیشکار	۱۷	چهارمحال و بختیاری	۱۸ دی
۱۷۱	علی حسن‌زاده	۱۷	خراسان رضوی	۱۸ دی
۱۷۲	علی غلاملو	۱۷	تهران	۱۸ دی
۱۷۳	علی محمدصادقی	۲	اصفهان	۱۹ دی
۱۷۴	علی مهری	۱۶	اصفهان	۱۸ دی
۱۷۵	علی نادری	۱۷	خراسان رضوی	۱۸ دی
۱۷۶	علی نوری	۱۷	مرکزی	۱۸ دی
۱۷۷	علی یغمورلو	۱۷	تهران	۱۹ دی
۱۷۸	علی‌اکبر محمدآقایی	۱۷	تهران	۱۹ دی
۱۷۹	علیرضا ابراهیمی	۱۷	تهران	۱۸ دی
۱۸۰	علی‌رضا پارسافر	۱۷	بوشهر	۱۹ دی
۱۸۱	علیرضا حیدری سزنقی	۱۷	تهران	۱۸ دی
۱۸۲	علی‌رضا سلطانی	۱۶	البرز	۱۸ دی
۱۸۳	علیرضا سوری	۱۷	البرز	۱۸ دی
۱۸۴	علیرضا صیدی	۱۶	تهران	۱۸ دی
۱۸۵	علیرضا نوایی لواسانی	۱۷	تهران	۱۸ دی
۱۸۶	علی‌رضا نوباغی	۱۷	تهران	۱۸ دی
۱۸۷	علیرضا نوروزی چشمه احمدرضائی	۱۶	اصفهان	۱۹ دی
۱۸۸	غزل جانقربانی اصفهانی	۱۵	اصفهان	۱۹ دی
۱۸۹	غزل دمرچلی	۱۷	البرز	۱۹ دی
۱۹۰	فائزه ایزدی	۱۶	خراسان رضوی	۱۸ دی
۱۹۱	کسری وفاپرور	۱۷	تهران	۱۹ دی
۱۹۲	کیمیا کامیاب‌منش	۱۷	تهران	۱۸ دی
۱۹۳	مانی هداوند	۱۷	تهران	۱۸ دی
۱۹۴	ماهان عبیدی	۱۶	تهران	دی ماه
۱۹۵	مبین عاشوری	۱۷	اصفهان	۱۹ دی
۱۹۶	مبین یعقوب‌زاده	۱۷	گیلان	۱۷ دی
۱۹۷	متین مویی	۱۶	خوزستان	۱۸ دی
۱۹۸	محراب گلستانی حتکنی	۱۷	اصفهان	۱۹ دی
۱۹۹	محمد احمدی	۱۷	خراسان رضوی	۱۸ دی
۲۰۰	محمد اسلامی	۱۷	مازندران	۱۸ دی
۲۰۱	محمد رضاقلی‌وند	۱۷	البرز	۱۸ دی
۲۰۲	محمد سلطانی‌فرد	۱۶	مرکزی	۱۸ دی
۲۰۳	محمد نوری	۱۷	قم	۱۲ دی
۲۰۴	محمد یزدانی	۱۴	تهران	۱۹ دی
۲۰۵	محمدامین اکبریان باغملکی	۱۶	اصفهان	۱۹ دی
۲۰۶	محمدامین امیری	۱۷	زنجان	۱۸ دی
۲۰۷	محمدامین عقیلی‌زاده	۱۷	اصفهان	۱۸ دی
۲۰۸	محمدامین مهماندار	۱۶	خراسان رضوی	۱۸ دی
۲۰۹	محمدپارسا امینی	۱۷	البرز	۱۹ دی
۲۱۰	محمدپویا کریم‌آبادی	۱۷	خراسان شمالی	۱۸ دی

ردیف	نام و نام‌خانوادگی	سن	استان	تاریخ کشته‌شدن
۲۱۱	محمدحسین پرنون	۱۶	لرستان	۱۸ دی
۲۱۲	محمدرضا (یزدان) افروغ	۱۷	تهران	۱۹ دی
۲۱۳	محمدرضا اسدی دلیوند	۱۶	تهران	۱۸ دی
۲۱۴	محمدرضا خبیری	۱۷	تهران	۱۹ دی
۲۱۵	محمدرضا صادقی	۱۷	خراسان رضوی	دی ماه
۲۱۶	محمدرضا عبدالرحمن‌زاد علی‌بلاغی	۱۶	آذربایجان غربی	۱۹ دی
۲۱۷	محمدرضا علیزاده‌نسب هولیقی	۱۶	تهران	۱۹ دی
۲۱۸	محمدرضا کرمی	۱۶	ایلام	۱۶ دی
۲۱۹	محمدصالح کنشلو	۱۷	البرز	۱۹ دی
۲۲۰	محمدطاها سپهوند	۱۶	لرستان	۱۹ دی
۲۲۱	محمدقاسم روستا	۱۴	فارس	۱۲ دی
۲۲۲	محمدمتین باقری	۱۶	کرمانشاه	۱۸ دی
۲۲۳	محمدمتین حسینی	۱۶	تهران	۱۸ دی
۲۲۴	محمدمسیح شکیب‌نیا	۱۷	مرکزی	۱۵ اسفند
۲۲۵	محمدمهدی باقری	۱۷	کرمانشاه	۱۸ دی
۲۲۶	محمدمهدی روستا	۱۶	فارس	۱۸ دی
۲۲۷	محمدمهدی سبحانی‌فر	۱۵	خراسان رضوی	۱۸ دی
۲۲۸	محمدمهدی صفری علیائی	۱۷	فارس	۱۸ دی
۲۲۹	محمدمهدی گنج‌دانش	۱۷	زنجان	۱۸ دی
۲۳۰	محمدمهدی یزدانی	۱۶	خراسان رضوی	۱۸ دی
۲۳۱	محمدمهیار کاکازاده مزدور	۱۷	تهران	۱۸ دی
۲۳۲	مسعود کریم دهنوی	۱۵	اصفهان	۱۸ دی
۲۳۳	مسیح بیگدلی	۱۴	اصفهان	۱۹ دی
۲۳۴	مصطفی سعیدی	۱۴	اصفهان	۱۹ دی
۲۳۵	مصطفی فلاحی	۱۵	لرستان	۱۱ دی
۲۳۶	مصطفی یارسرخ‌آبادی	۱۷	خراسان رضوی	۱۹ دی
۲۳۷	معین تقی‌پور	۱۷	البرز	۱۹ دی
۲۳۸	ملینا اسدی	۳	کرمانشاه	۱۸ دی
۲۳۹	ملینا میرزایی	۱۷	البرز	۱۸ دی
۲۴۰	مهدی تاجیک	۱۶	خراسان رضوی	۱۹ دی
۲۴۱	مهدی ضیائی برنطین	۱۷	هرمزگان	۱۸ دی
۲۴۲	مهدی علی‌آبادی	۱۷	خراسان رضوی	۱۸ دی
۲۴۳	مهدی کشاورز داداشی	۱۶	تهران	۱۸ دی
۲۴۴	مهدی مختاری بایگی	۱۷	خراسان رضوی	۱۹ دی
۲۴۵	مهدی مهمدی کرتلائی	۱۶	خوزستان	۱۹ دی
۲۴۶	مهدیه عباسی	۱۶	تهران	دی ماه
۲۴۷	مهراد صادقی	۱۷	اصفهان	۱۸ دی
۲۴۸	مهرداد توکلی	۱۷	تهران	دی ماه
۲۴۹	مهرزاد مسعودی‌فر	۱۱	تهران	دی ماه
۲۵۰	مهیار عباسی	۱۷	تهران	۱۹ دی
۲۵۱	میثم بیژنی زارعی	۱۷	تهران	۱۹ دی
۲۵۲	میثم جهان‌تیغ مفرد (حذیفه اوستاخ/ زرگر)	۱۱	خراسان رضوی	۱۹ دی
۲۵۳	میلاد تیموری حیانو	۱۲	خراسان رضوی	۱۹ دی

ردیف	نام و نام‌خانوادگی	سن	استان	تاریخ کشته‌شدن
۲۵۴	میلاد حسن‌زاده علی‌آبادی	۱۷	تهران	۱۸ دی
۲۵۵	میلاد نوروزیان	۱۶	تهران	۱۸ دی
۲۵۶	نادر سیاهانی	۱۶	سیستان و بلوچستان	۲۱ دی
۲۵۷	نازنین‌زهرا صالحی	۱۳	کرمانشاه	۱۹ دی
۲۵۸	نازی فروغی	۱۷	تهران	۱۸ دی
۲۵۹	نرگس (سودابه) سربندی فراهانی	۱۷	گیلان	۱۹ دی
۲۶۰	نسترن پناهی شکراب	۱۶	تهران	۱۹ دی
۲۶۱	نهال جعفری	۱۳	فارس	۲۴ دی
۲۶۲	نیروانا احمدی	۱۵	خراسان رضوی	دی ماه
۲۶۳	نیما جعفری	۱۶	البرز	۱۹ دی
۲۶۴	نیما جوزایی	۱۶	بوشهر	۱۹ دی
۲۶۵	نیما کدخدائی الیادرانی	۱۵	اصفهان	۱۸ دی
۲۶۶	نیما نینواپور اردبیلی	۱۷	اردبیل	۱۸ دی
۲۶۷	نیوشا حمیدی فشمی	۱۵	گیلان	۱۹ دی
۲۶۸	هدیه خدری	۱۷	مرکزی	۱۸ دی
۲۶۹	هستی صمدی	۱۷	تهران	۱۸ دی
۲۷۰	هلنا میرزایی	۱۵	اصفهان	۱۹ دی
۲۷۱	یاسین (سهیل) الماسی	۱۷	فارس	۱۹ دی
۲۷۲	یاسین محمودی جلال‌آبادی	۱۶	کرمان	۱۹ دی
۲۷۳	یحیی عباسی آبادچی	۱۶	اصفهان	۱۹ دی
۲۷۴	یگانه حق‌شناس	۱۷	اصفهان	۱۸ دی
۲۷۵	یلدا محمدخانی	۱۶	البرز	۱۹ دی
۲۷۶	(نام خانوادگی نامشخص) امید	کودک	سیستان و بلوچستان	۱۹ دی
۲۷۷	(نام خانوادگی نامشخص) سید ابوالفضل	۱۳	خراسان رضوی	۱۹ دی
۲۷۸	(نام خانوادگی نامشخص) سید امیرمحمد	۱۰	خراسان رضوی	۱۹ دی
۲۷۹	(نام نامشخص) (نوزاد مریم سعادت)	۴.۵ ماهه	تهران	۱۸ یا ۱۹ دی
۲۸۰	(نام نامشخص/شهروند افغانستانی)	۱۵	خراسان رضوی	۱۸ دی
۲۸۱	(نام نامشخص/شهروند افغانستانی) (نام مستعار آرمان)	۱۴	البرز	۲۳ دی

IRAN
HUMAN
RIGHTS

© IHRNGO 2026